

دشمن به موضوع زن و خانواده هجوم آورده؛ آیا معاونت زنان و خانواده برای مقابله با هجمه دشمن آماده است؟

بی‌دفاع مثل خانواده

۱۸



پشت پرده حضور همزمان ۳ فیلم ایرانی در جشنواره کن چیست؟

ارتباط فرانسوی

گزارش «جام‌جم» از طرح شفاف‌سازی قوای سه‌گانه

شفافیت بدون شرط

لازمه شفاف‌سازی در حکمرانی، آغاز شفافیت از خود مجلس است

۲

رجب پاشا بر لبه پرتگاه

اردوغان از شکست در انتخابات نگران است



رئیس‌جمهور ترکیه پر از تردید است. نظرسنجی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که محبوبیت وی و حزب عدالت و توسعه در بسیاری از استان‌های ترکیه کاهش پیدا کرده و در مقابل، احزاب مخالف این بار قصد دارند با اتئالف در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۳ مانع از استمرار حضور وی در مسند قدرت شوند.

۸



گزارش ویژه



مدیر فوتبالی
متهم اقتصادی

بازداشت نایب رئیس فدراسیون فوتبال، نمونه کوچکی از بازداشت مدیران فوتبالی در سال‌های اخیر است

صفحه ۴

گزارش ویژه

سینمای آفلاین

چرا اکران آنلاین سینمای ایران موفق نیست؟

علی رستگار، خبرنگار سینمایی «جام‌جم» درباره دلایل استقبال نکردن از اکران آنلاین فیلم‌های سینمایی گزارش می‌دهد

صفحه ۱۱



جشنواره کن، ما و رقیب فرهنگی

ارتش؛ نمایشگاه ارزش‌های اسلامی

جوانی جمعیت با تغییر سبک زندگی

نشانه‌های یک پیروزی بزرگ

دیدگاه

نکته

درنگ

یادداشت

نشانه‌های یک پیروزی بزرگ

جنايات رژيم اشغالگرقدس در مسجدالاقصی ادامه دارد. در مقابل، شاهد مقاومت همه‌جانبه فلسطینیان در برابر دشمن صهیونیستی هستیم. این مقاومت، امروز به یکی از پیچیده‌ترین معماهای امنیتی، فرهنگی و نظامی در سراسر اراضی اشغالی تبدیل شده‌است. مقاومت همه‌جانبه، روش و مسلکی است که در سایه آن، توطن‌های رژیم اشغالگر قدس رصد و در مواجهه با آنها چاره‌اندیشی خواهد شد. تحلیل آنچه امروز در سرزمین‌های اشغالی می‌گذرد، و استیصال‌کننده‌ترین آن‌ها، مقاومت فلسطین بسیار به آزادی و پیروزی نهایی نزدیک شده‌است. بسیاری از واکنش‌های صورت گرفته از سوی رژیم اشغالگر قدس، نشانه ضعف و ناتوانی آن در برابر جریان مقاومت است. تمامی کسانی که در این مسیر مقدس جانفشانی می‌کنند، شهید هستند و شهدا همیشه زنده‌اند. ما معتقدیم خون شهدای راه مقاومت هدر نخواهد رفت و در نهایت، همین جانفشانی‌ها به زمین‌های برای پیروزی نهایی در برابر دشمن تبدیل خواهد شد. مساله‌ای که امروز صهیونیست‌ها را مستاصل کرده‌است، مربوط به عملیات قاطعانه، حساب شده و غیرقابل پیش‌بینی جریان مقاومت است.



شیخ مه‌دی حبیبی

عضو ارشد
علمای مقاومت
در لبنان

جوانی جمعیت با تغییر سبک زندگی

برکسی پوشیده نیست که موضوع جمعیت و مقابله با بحران سالمندی که در سال‌های آینده بیشتر با آن روبه‌رو خواهیم شد، با طرح‌های کوتاه‌مدت چاره نمی‌شود. در واقع چنین پدیده‌ای محصول سال‌ها اقدام و سیاست‌گذاری است که بدون تردید، حل آن زمانبر است و به اراده‌ای چندین ساله نیاز دارد. به عبارت دیگر نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم در مدت‌زمان یک یا دو ساله و با راهکارهای موقت، گره از کار این مساله باز شود. لازم به یادآوری است که جامعه ما در حال حاضر درگیر ساز و کارهایی از سبک زندگی است که در ذات خود، کاهش جمعیت را به وجود می‌آورد؛ این در حالی است که در راه‌حل‌های پیشنهادی فعلی، کمتر به آن توجه شده‌است. مثلاً ما با نظام آموزشی‌ای مواجه هستیم که هر شخص، مدرک بیشتری به دست بیاورد، احترام بیشتری خواهد داشت. در چنین نظام و فرهنگی، ازدواج و فرزندآوری به تأخیر می‌افتد تا فرد به عالی‌ترین درجات تحصیلی برسد. از سوی دیگر، فرهنگ عمومی جامعه ما این‌گونه است که داشتن ثروت بیشتر، عاملی برای احترام افزون‌تر است. پس افراد به دنبال کسب درآمد بیشتر به شهرهای بزرگ می‌آیند، مجبور به زندگی آپارتمان‌نشینی می‌شوند و با کوچک شدن روز به روز این آپارتمان‌ها، تمایل‌شان برای داشتن فرزند تا فرزندان بیشتر را از دست می‌دهند. بدیهی است در جامعه فعلی، زن و مرد هر دو به طور همزمان باید تمام‌روز بوند و تلاش کنند تا بتوانند زندگی‌شان را در سطحی معقول تأمین کنند؛ اتفاقی که باعث می‌شود فرصت فرزندآوری و تربیت فرزند از پدر و مادر گرفته شود. در واقع وضع موجود که ما با عنوان بحران از آن یاد می‌کنیم، محصول همین سبک زندگی است که در آن قرار گرفته‌ایم. اما سوال مهم این است که چرا ما در طول چند سال به این نقطه از سبک زندگی رسیده‌ایم؟ به نظر می‌رسد وضعیت فعلی برگرفته از فرهنگ غربی است که همین نتیجه را برای غرب هم به وجود آورده‌است؛ چنان که بحران جمعیت و سالمندی موضوعی است که در بسیاری از کشورهای دیگر هم گه‌گاه رخ داده‌است. بحرانی که آنها با مهاجریزیری در حال رفع آن هستند اما ما به چنین ابزاری نیز دسترسی نداریم. یعنی در حالی فرهنگ داشتن خانواده کوچک بدون فرزند و یا زندگی با حیوان خانگی که نشأت گرفته از این کشورها است، به ما تحمیل شده که خودشان در پی رفع آن هستند اما ما چاره‌ای برای مقابله با آن نداریم. در نهایت به نظر می‌رسد مقابله با وضع موجود، نیاز به تغییرات و بازسازی‌های اساسی دارد؛ فارغ از همه راهکارهای اقتصادی و رفاهی و خدماتی که موقتی به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی باید بتوانیم با بازسازی ریشه‌های فرهنگی خودمان، سبک زندگی خانواده‌ها را به سمت زندگی ایرانی و اسلامی هدایت کنیم، به طوری که تفاوت در ارزش‌های مان به مفهوم واقعی در جامعه مستقر شود. از سوی دیگر به طور همزمان و متناسب با شرایط، وضعیت مسکن، اشتغال، توزیع جمعیت و امکانات و... را بازتعریف کنیم تا افراد به طور طبیعی (و نه از روی اجبار) ترجیح دهند که به جای یک فرزند، چندین فرزند داشته باشند. در غیر این صورت، راه‌حل‌هایی که امروز در قانون پیش‌بینی شده، درمانی برای بحران سال‌های آینده نیست.



حسن زیناتیان

عضو کمیسیون فرهنگ
و تمدن شورای عالی
انقلاب فرهنگی

ارتش؛ نمایشگاه ارزش‌های اسلامی

حضور و نقش‌آفرینی دائم ارتش جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های خطیر انقلاب اسلامی موضوعی نیست که امروزه برکسی پوشیده باشد؛ چه ۲۹ فروردین سال ۱۳۵۸ که با فرمان تاریخی امام خمینی (ره) جان تازه‌ای در کالبد ارتش دمیده شد و چه حماسه‌آفرینی‌های این مجموعه ارزشمند در طول تاریخ دفاع مقدس که دوشادوش سپاه و بسیج، پرافتخارترین دوران ملت حیات ایران را در تاریخ رقم زد.



امین صبیحی

دبیر
سرویس سیاسی

ارتش را اما تنها نمی‌توان در حصار پادگان و تجهیزات نظامی یا حتی میدان جنگ تصور کرد؛ جلوه‌های نقش‌آفرینی ارتش در عرصه‌های عمومی و اجتماعی طی سال‌های گذشته بیش از پیش پررنگ بوده است. صحنه‌های امدادسانی و فداکاری کارکنان ارتش در سیل و زلزله را همگان به خاطر دارند؛ همان حضور موثری که مورد تأیید فرمانده معظم کل قوا نیز قرار گرفت و ایشان فرمودند: «در استان گلستان، ارتش حتی قبل از حضور ستاد مدیریت بحران، در محل حادثه حاضر شد.»

ایام شیوع کرونا یکی دیگر از عرصه‌هایی بود که ارتش را تمام‌قد و با تمام امکانات و ظرفیت‌هایش به پای کار کشور کشاند و ارتش هرآنچه را که داشت از تولید ماسک، تخت بیمارستانی، ایجاد نقاشگاه و ضد عفونی‌سازی تا واکسیناسیون گسترده را در اختیار مردم قرار داد و در واقع ارتش تمام ظرفیت‌های مختلف را پای کار مردم و کشور آورد تا یک بحران فراگیر هم نتواند خللی در آرامش کشور به وجود آورد.

از سوی دیگر ارتش جمهوری اسلامی ایران در عرصه اصلی ماموریت خویش، یعنی حوزه دفاع و امنیت کشور هم خوب درخشیده است؛ شاید مشهودترین مثال آن را می‌توان اقدام سال گذشته نیروی زمینی ارتش در مرزهای شمال غربی کشور و برگزاری رزمایش «فاتحان خیبر» برشمرد که این نیرو توانست با جابه‌جایی حجم انبوهی از تجهیزات خود به منطقه شمال غرب در مدت‌زمانی کوتاه، رزمایشی مبتنی بر اقتدار برگزار کند. رزمایشی که فرامتن آن پیام قاطع ارتش ایران بود که اعلام کرد تغییر در مرزهای کشورهای منطقه را نمی‌پذیرد.

قدرت نوظهور پهبادی ارتش وجه دیگری از اقتدار دفاعی این سازمان نظامی است که توانسته با تدارک تعداد بسیار زیادی از انواع پهبادهای شناسایی، مراقبتی، رزمی، جنگ الکترونیک و انتحاری، ناوگان عظیم پهبادی را چنان سامان دهد که امروز لوزه بر تن دشمنان انداخته و آنها را به اعتراف در برابر برتری قدرت پهبادی ایران واداشته است.

همه آنچه که گفته شد را در یک جمله از بیانات رهبر معظم انقلاب می‌توان خلاصه کرد، آنجا که ایشان از ارتش به عنوان «نمایشگاهی از ارزش‌های اسلامی» یاد کردند؛ ارتشی که امروز مدنیت‌تر و کارآمدتر از همیشه است و برکاتش علاوه بر ملت ایران، شامل حال کشورهای دیگر نیز شده است.

جشنواره کن، ما و رقیب فرهنگی

امسال همراه با فیلم ایرانی «برادران لایلا» ساخته سعید روستایی، یک فیلم خارجی با موضوع ایران و گروه تولید ایرانی و فیلمی دیگر با حضور یک بازیگر ایرانی به بخش جشنواره کن راه یافته‌است.

در نگاه اول باید بگوییم چه میمون سالی است این سال آغاز قرن اما از آنجا که با مرور اتفاقات مشابه می‌دانیم نظام فرهنگی فرانسه، نه در این جشنواره و نه اصولاً در جای دیگری بی‌دلیل برای ایران فرش قرمز پهن نمی‌کند، به طور منطقی نمی‌توان باور کرد آتها رویکرد خود را در حوزه فرهنگ، ناگهان نسبت به ایران تغییر داده‌اند و می‌خواهند به تبلیغ ظریف بی‌بدیل فرهنگ ایرانی بپردازند. پیشتر، فیلم‌های خارجی متعددی با موضوع ایران - که بعد فهمیدیم فیلم‌های ضد ایرانی بوده‌اند - در کن حضور پیدا کردند، که خیلی هم به آن توجه شد؛ فیلم‌هایی که در تضعیف و تمسخر ریشه‌های فرهنگ ایرانی ساخته شدند. هنوز خاطرات مان‌را از تأثیرات، تبلیغات منفی و تبعات فیلم‌هایی مثل «پرسپولیس» ساخته مرجان ساتراپی فراموش نکرده‌ایم. فیلمسازی که به واسطه توجه سیاسی به این فیلم، دو پله یکی رفت تا داوری کن.

فیلم‌هایی که در هنگام اکران جشنواره‌ای یا تبلیغات اکران جهانی با آنها روبه‌رو شدیم. جالب این‌که با وجود نهادهای فرهنگی عریض و طویل در کشور، اولین جرقه اعلام خطر درباره این دست فیلم‌ها، همواره در رسانه می‌خورد نه در رصد نهادهای فرهنگی.

سوال اول این است چرا ما به عنوان کشور هدف فیلم، نمی‌توانیم این فیلم‌ها را در مرحله تولید رصد کنیم تا غافلگیر نشویم و سوال بعدی این که چنین فیلم‌هایی چه نقش و جایگاهی در استراتژی تهاجم فرهنگی غرب نسبت به ایران دارد؟

پاسخ سوال اول که روشن است؛ نهادهای فرهنگی ما آنچنان دچار رزمی‌گری هستند که اولوی‌بندی برای رصد اتفاقات فرهنگی و هنری همسویا مخالف کشور ندارند. حتی پس از آگاهی از رخداد، واکنش‌شان در حد انتشار یک بیانیه است که گوش شنوایی در داخل کشور برایش پیدا نمی‌شود، چه رسد به خارج از کشور.

از طرفی به دلیل نبود برنامه استراتژیک فرهنگی و نبود ارتباط معنادار و بنیادی میان نهادهای فرهنگی به عنوان عرصه متنی و بدتر از آن نبود ارتباط ارگانیک میان فرهنگ و نهادهای تصمیم‌ساز کلان کشور، حتی نمی‌توانیم واکنش بجای به موقعی داشته باشیم، چه رسد به کنشگری و ابتکار عمل. پاسخ پرسش بعدی را هم اهل نظر در گلوگاه‌های مذکور از دیدگاه‌های مختلف دادند و در این مورد برآیند چند نکته ما را به پاسخ می‌رساند؛ وجود پخش‌کننده مشترک فرانسوی برای هر سه فیلم، انتخاب موضوع حساس قاتل زنجیره‌ای با انگیزه‌های پاکسازی اجتماعی برای یک اثر خارجی، استفاده از بازیگران زن ایرانی در دو فیلم خارجی مورد نظر با حاشیه‌های اخلاقی و هدف‌گذاری را بمرت مرداک برای نابودی فرهنگ ایران از طریق تضعیف نهاد خانواده و جایگاه مادر ایرانی و...

حالا کدام نهاد فرهنگی یا سیاسی باید در این موقعیت‌ها نقش‌آفرینی کند؟ دیپلماسی فرهنگی؟ آگاهی‌بخشی فراگیر درباره وجوه مختلف عادر رقیب؟ یا هر دو و بیشتر؟ شاید هم بهتر است چشمان بسته خودمان را باز نکنیم؟